

توصیف ساختمان فعل در گونه زبانی براهویی رودبار جنوب^۱

فاطمه شیبانی فرد^۲

زهرة زرشناس^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۹

چکیده

براهویی، زبانی غیر ایرانی و از شاخه شمالی خانواده زبان‌های دراویدی است که محل اصلی رواج آن، کشور پاکستان است اما در ایران نیز گویشورانی دارد. امروزه اغلب گویشوران براهویی در ایران در منطقه سیستان و بلوچستان زندگی می‌کنند اما گروهی اقلیت با جمعیت کمتر از هزار نفر در جنوب کرمان زندگی می‌کنند. بخشی از این گروه اقلیت، در روستای تم‌میری شهرستان رودبار جنوب ساکن‌اند و علاوه بر براهویی، به زبان فارسی و نیز گویش رودباری که گویش مسلط منطقه است، سخن می‌گویند. دو قرن مجاورت و هم‌زیستی با بومیان اصلی منطقه و استفاده از گویش رودباری برای تعامل با آنها، سبب به وجود آمدن گونه‌ای جدید از زبان براهویی شده است که می‌توان آن را گونه براهویی رودبار جنوب نامید. منطقه مورد پژوهش، روستای تم‌میری شهرستان رودبار-

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2019.21151.1566

^۲ دکترای تخصصی فرهنگ و زبان‌های باستانی، گروه فرهنگ و زبان‌های باستان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی (نویسنده مسئول)؛ sheibani@ihcs.ac.ir

^۳ استاد فرهنگ و زبان‌های باستان، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛

zzarshenas@ihcs.ac.ir

جنوب است. تمام داده‌های این پژوهش، به شیوه میدانی و به وسیله مصاحبه با گویشوران مرد و زن (۳۰ نفر)، از سطح‌های مختلف سنی (از ۹ تا ۱۰۰ سال) و تحصیلی (از بی‌سواد تا تحصیل کرده) گردآوری شده است. هدف پژوهش حاضر، توصیف و بررسی ساختمان فعل در این گونه زبانی است. فعل در این گونه به دو شکل ساخته می‌شود؛ در برخی افعال، فعل بر پایه یک ماده ساخته می‌شود. به بیان دیگر، ماده فقط بر عمل دلالت می‌کند. در برخی دیگر، فعل بر پایه دو ماده ماضی و مضارع ساخته می‌شود. وجه‌های این گونه زبانی، اخباری، التزامی و امر هستند. و زمان‌های براهویی، مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع مستمر، آینده، امر، ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی مستمر، ماضی نقلی و ماضی بعید هستند.

واژه‌های کلیدی: ساختمان فعل، گونه زبانی براهویی رودبار، خانواده زبان

های دراویدی، رودبار جنوب

۱. مقدمه

استان پهناور کرمان را می‌توان به دو منطقه شمالی و جنوبی تقسیم کرد. منطقه جنوبی، در تداول عامه، موسوم به رودبارزمین است که از جنبه‌های گوناگون از جمله شرایط اقلیمی و آب و هوا، فرهنگ عامه و تنوع زبان‌ها و گویش‌های محلی، با کرمان شمالی متفاوت است. رودبارزمین هفت شهرستان رودبار جنوب، جیرفت، کهنوج، فاریاب، عنبرآباد، قلعه گنج و منوجان را در برمی‌گیرد. لفظ رودبار (در گویش محلی: /ruebâr/) از دو جزء تشکیل شده است: «رود» که منظور از آن، رود هلیل است و «بار» (فارسی میانه: /bâr/) که به معنی ساحل است. رودبار در واقع سرزمینی است شامل جلگه‌های حاصل خیز و شهرها و روستاهایی که در دو سوی هلیل رود واقع شده‌اند (Seddiqi-nejad et al., 2017, p. 1). شهرستان رودبار جنوب با مرکزیت شهر اسلام‌آباد، در منتهی الیه جنوب استان کرمان واقع شده است. جمعیت این منطقه، بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، ۱۰۵۹۹۲ نفر است که نزدیک به ۹۰ درصد آن‌ها در روستاها و مابقی در شهر ساکن هستند و شغل بیشتر آن‌ها کشاورزی است. (Management and Planning Organization of Kerman, 2017). یکی از ویژگی‌های بارز منطقه رودبارزمین، تنوع زبان‌ها و گویش‌های محلی است. از جمله زبان‌ها و گویش‌های مردم، می‌توان به فارسی، رودباری، محمدی، گرتی، براهویی و بلوچی اشاره کرد. گویش رودباری که گویش مسلط و غالب در شش شهرستان جنوبی کرمان است از جنبه تبارشناسی، متعلق به زبان‌های ایرانی نو غربی جنوبی است

(Motallebi et al. 2013, p. 3). این گویش در گروه گویش‌های بشکرودی (=بشاگردی) بیرون از منطقه بشکرد قرار دارد. (SKJÆRVØ, 1988, p. 846). به لحاظ جغرافیایی، می‌توان رودباری را حلقه اتصال زبان‌های فارسی و بلوچی به شمار آورد؛ به این معنا که گستره جغرافیایی کاربرد این گویش از جنوب به محدوده رواج زبان بلوچی و از شمال به محدوده کاربرد زبان فارسی محدود می‌شود (2). (Seddiqi nejad et al., 2017, p. 2). براهویی رودبار جنوب، گونه‌ای از زبان براهویی است که در روستای تم‌میری، از توابع دهستان آسردوئیة شهرستان رودبار جنوب رواج دارد.

در پژوهش حاضر، برای گردآوری داده‌ها از روش مطالعه میدانی استفاده شده‌است. داده‌های این پژوهش مانند همه پژوهش‌های از این گونه، با استفاده از روش میدانی گردآوری شده‌است. به این منظور، پژوهشگر در میدان پژوهش حضور یافته و مشاهده مستقیم نموده‌است. وی با استفاده از پرسش‌نامه «راهنمای گردآوری گویش‌ها»ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و با گویشورانی که شرایط لازم را داشتند، مصاحبه نموده‌است. سپس، گفتار آزاد آن‌ها به وسیله دستگاه ضبط صدا ضبط شده‌است. در واقع، بدون حضور مستقیم پژوهشگر در زمان ضبط گفتار گویشوران، داده‌های مورد نیاز گردآوری شده‌است.

گویش‌ها و گونه‌های زبانی، از مهمترین موارد فرهنگی و زبانی یک ملت به شمار می‌آیند، بررسی و مطالعه و ثبت و گردآوری آن‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است. گونه براهویی رودبار جنوب، یکی از گونه‌های غیرایرانی موجود در ایران است که تحت تأثیر گویش ایرانی هم‌جوار یعنی گویش رودباری و زبان فارسی قرار گرفته‌است. این تأثیرپذیری و احیاناً تأثیرگذاری در مطالعات زبان‌شناسی تطبیقی از اهمیت فراوانی برخوردار است. همچنین، بر پایه گزارش‌های یونسکو ۲۰۰۶، زبان براهویی در فهرست زبان‌های در معرض نابودی جهان قرار دارد. بر این مبنا، انجام چنین پژوهشی، که اقدام مهمی در جهت ثبت و گردآوری آن است اهمیت بسیار و ضرورت فراوانی دارد. اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش آنگاه آشکارتر می‌گردد که بدانیم گونه رودباری این زبان، کمتر از ۱۰۰۰ نفر گویشور دارد و نسبت به سایر گونه‌های براهویی در معرض آسیب بیشتری قرار دارد.

۱.۱. زبان براهویی

بیشتر مردم هندوستان به یکی از زبان‌های هندواروپایی، یا به بیان دقیق‌تر، به یکی از زبان‌هایی که از زبان سنسکریت منشعب شده‌اند، گفت‌وگو می‌کنند. با این حال، در بخش جنوبی این کشور زبان‌های گوناگونی رایج است که به یک خانواده مربوط به دوران پیش از هندواروپایی‌ها، که

هنوز هم در جنوب هند رایج است، وابسته‌اند. این خانواده زبانی دراویدی^۱ نام دارد و مهمترین اعضای آن عبارت‌اند از تامیل^۲، تله‌گو^۳ و مالایالام^۴ (Arlotto, 2005, p. 62-63). هر چند خانواده دراویدی، یک عضو جدامانده نیز دارد که فقط زبان دراویدی خارج از هند است. نام این زبان، براهویی^۵ است که گاهی به صورت براهودی^۶ و براهویگی^۷ نیز دیده می‌شود. براهویی متعلق به شاخه شمالی از خانواده زبانی دراویدی است. براهویی‌ها اغلب در بلوچستان پاکستان زندگی می‌کنند (Ethnologue, 2019).

۱. ۲. گونه زبانی براهویی رودبار جنوب

بخشی از گویشوران براهویی حدوداً از قرن ۱۴ میلادی از طریق مرز پاکستان و افغانستان به جنوب شرق ایران مهاجرت کرده‌اند. گروهی از آن‌ها، ۲ قرن پیش از سیستان و بلوچستان به جنوب استان کرمان مهاجرت کرده‌اند که امروزه بخشی در شهرستان رودبار جنوب و بخشی در شهرستان فاریاب ساکن‌اند. در رودبار جنوب، براهویی‌ها در روستای تم‌میری^۸ از روستاهای دهستان آبسردوئیه از توابع بخش مرکزی زندگی می‌کنند. /tom/ به معنای «تپه»، تپه‌ای باستانی و چند هزار ساله است و /meyri/ به اعتقاد مردم منطقه، «مهری» است که نام بانویی بوده‌است که بر روی این تپه به خاک سپرده شده‌است. گویشوران براهویی استان کرمان همگی مسلمان و شیعه هستند. بر پایه آخرین آمار، تعداد آن‌ها ۷۵۰ نفر و ۱۵۰ خانوار است و شغل اصلی آنها کشاورزی و دامداری است (Management and Planning Organization of Kerman, 2017). براهویی‌های رودبار همگی سه زبانه‌اند. آن‌ها در بین خود، به زبان براهویی سخن می‌گویند و در برخورد با رودباری‌ها، به گویش رودباری و در برخورد با غیر رودباری‌ها، از زبان فارسی استفاده می‌کنند. تغییرات زبانی در این دو قرن که عمدتاً ناشی از تأثیرپذیری براهویی‌های رودبار جنوب از گویش‌های هم‌جوار از جمله رودباری است، سبب شده‌است گونه‌ای زبانی، متفاوت از براهویی سیستان و بلوچستان شکل گیرد. این تفاوت‌ها بیشتر در سطح آوایی و واژگانی است و بنابراین، ارتباط دوسویه بین گویشوران این دو گونه امکان‌پذیر است. براهویی‌های کرمان با محدود براهویی‌های پاکستانی که در میناب ساکن‌اند نیز می‌توانند گفت‌وگو کنند که البته با دشواری‌هایی همراه است.

¹ Yravidian

² Tamil

³ Telegu

⁴ Malayalam

⁵ Brāhūī

⁶ Brāhōī

⁷ Bīrahui

⁸ Tom-Meyri

۲. مبانی نظری

پژوهش‌های گویش‌شناسی از اواخر قرن نوزدهم آغاز شده‌اند. اساس کار این پژوهش‌ها، استفاده از پرسشنامه‌های تخصصی و گویشی و همچنین مصاحبه با گویشوران و ضبط گفتار آنها است. از اهداف اصلی پژوهش‌های گویش‌شناسی، جمع‌آوری ساختار دستوری و واژگانی هر گویش است و داده‌های گویشی می‌تواند گویش‌ها را از خطر نابودی حفظ کند (Crystal, 2008, p. 143-144). به باور ترادگیل (Trudgill, 1980, p. 3-12)، گویش‌شناسی به ویژه به بررسی و توصیف گویش‌ها می‌پردازد و از این طریق، ساختار دستوری و واژگانی گویش‌ها استخراج می‌شود. هیچ یک از دو واژه زبان و گویش بیانگر مفهوم معین و دقیقی نیست و مشکل در تشخیص گویش‌ها - به مراتب بیشتر - و زبان‌ها - به مراتب کم‌تر - دیده می‌شود. از دیدگاه شیری (Shiri, 2018, p. 166 & 156, 132, 104, 51-50, 41-39)، مطالعه و بررسی گویش‌ها پیشینه طولانی است و همگام با علم زبان‌شناسی دست‌خوش تغییرات و دگرگونی‌ها شده‌است. در مطالعه گویش‌ها دو شیوه متفاوت قابل تشخیص است: ۱. شیوه سنتی که تا آغاز قرن بیستم شیوه رایج و غالب در این زمینه بوده‌است و اکنون نیز در گردآوری گویش‌های جغرافیایی از آن استفاده می‌شود. در این شیوه، از طریق ضبط گفتار یک یا چند گویشور بومی، ویژگی‌های آوایی، دستوری و واژگانی گویش توصیف می‌شود. این شیوه هنوز نیز رایج است. ۲. شیوه مدرن که از نیمه دوم قرن بیستم رایج شده‌است و بیشتر در مطالعات مربوط به گویش‌شناسی اجتماعی کاربرد دارد. در این شیوه برخلاف گویش‌شناسی سنتی، شهرها به‌عنوان کانون تحقیقات انتخاب و با کمک اصول رایج در پژوهش‌های علوم اجتماعی و با در نظر گرفتن یک متغیر زبانی، با انتخاب یک جامعه زبانی، به مطالعه و بررسی یک گویش می‌پردازند. چهار نوع گویش اصلی وجود دارد که عبارت هستند از گویش‌های جغرافیایی^۱ (گونه‌ها و شکل‌های مختلف یک زبان که در مناطق جغرافیایی مختلف، به شکل‌های متفاوت به کار می‌رود)، گویش‌های اجتماعی^۲ (به گونه‌هایی از یک زبان که در میان گروه‌های مختلف اجتماعی رایج است)، گویش‌های تاریخی^۳ (مطالعه و بررسی گونه‌های یک زبان در طول زمان) و گویش معیار^۴ (شکلی از زبان که به عنوان گونه میانجی در جامعه به کار می‌رود).

¹ regional dialects

² social dialects

³ historical dialects

⁴ standard dialect

۳. پیشینه پژوهش

نخستین مطالعات بر روی زبان براهویی رایج در پاکستان از اوایل قرن بیستم آغاز گردیده است. اولین مطالعات جدی بر روی این زبان توسط بری^۱ انجام شد که او را «پدر زبان براهویی» می خوانند. وی در کتاب خود، ابتدا به بررسی تاریخ این قوم پرداخته است و سپس ویژگی های آوایی، دستوری و ساختاری این زبان را در چند فصل جداگانه به صورت کلی، مورد بررسی قرار داده است. اندرونو^۲ در کتاب خود با نام «زبان براهویی»، به بررسی براهویی از نظر واژگانی، صرفی و نحوی پرداخته است و در آخر کتاب چندین متن براهویی را آورده است. وی در کتاب خود با نام «دستور تطبیقی زبان های دراویدی»، به بررسی تطبیقی واجی، واژگانی، صرفی، و نحوی زبان های خانواده ی دراویدی از جمله براهویی پرداخته است. این کتاب به زبان روسی نیز ترجمه شده است. الفنین^۳ زبان شناس آلمانی در کنار پژوهش های انجام شده بر روی گویش بلوچی، دو پژوهش در حوزه واج شناسی بر روی گونه براهویی سیستان انجام داده است؛ وی در نخستین پژوهش خود (Elfenbein, 1986) بحثی تاریخی پیرامون قوم براهویی مطرح ساخته و در قسمت دوم، فقط به معرفی واج های این زبان پرداخته است. وی در پژوهش دیگری (Elfenbein, 1999) در فصلی جداگانه واج های این گونه از زبان براهویی را بررسی کرده است.

پژوهش بر روی گونه های زبان براهویی متداول در سیستان و بلوچستان ایران، در سال های اخیر دوباره آغاز شده است، بیشتر این پژوهش ها توسط پژوهشگران دانشگاه اُپسالای سوئد انجام شده است. از جمله آن ها، پژوهش های برجسته دلفروز است که هنوز انتشار نیافته است. قاسمی (Qasemi, 2015) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی زبان براهویی در منطقه بلوچستان ایران»، به بررسی مباحث آواشناسی و دستوری زبان براهویی موجود در مرزهای شرقی ایران و نزدیک با مرز پاکستان پرداخته است. وی ویژگی های نظام آوایی و صرف این زبان را گردآوری کرده است. شیبانی فرد و کرن (Sheybanifard & Korn, 2018) در مقاله خود به بررسی تفاوت ها و شباهت های آوایی موجود بین گونه براهویی رودبار جنوب و گویش لاشاری ایرانشهر پرداخته اند.

شیبانی فرد و کرن (Sheybanifard & Korn, 2018) در مقاله ای با نام «A historical study of ʈ, ɖ, ɽ, ʂ consonants and ie, ue diphthongs in Brahui variety of Ruedbar-Jonub» به بررسی تاریخی ۴ همخوان برگشتی و دو واکه مرکب در گونه براهویی رودبار جنوب پرداخته

¹ D. S. Bray

² M. S. Andronow

³ J. Elfenbein

است. در این مقاله، ثابت شده است که گونهٔ براهویی رودبارجنوب، دو واژهٔ مرکب را از گویش رودباری گرفته است. شیبانی فرد و کرن (Sheybanifard & Korn, 2018) در مقاله‌ای با نام «بررسی واج‌های گونهٔ براهویی رودبار جنوب» به استخراج و توصیف آوایی واج‌ها و نیز بررسی و شناخت منشاء آن‌ها پرداخته است. در این مقاله، واج‌ها با روش جفت کمینه و جانشین‌سازی استخراج شده‌اند. در این راستا، معلوم شده که کدامیک از واج‌ها منشاء دراویدی دارند و کدام نیز از گویش محلی یعنی گویش رودباری گرفته شده‌اند. هر چند تاکنون هیچ پژوهش مستقلی در زمینهٔ ساختمان فعل در گونهٔ براهویی رودبار جنوب انجام نشده است.

۴. ساخت فعل در براهویی رودبار جنوب

در گونهٔ براهویی رودبار، ۳ وجه؛ اخباری، التزامی و امری، و ۹ زمان؛ مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع مستمر، آینده، امری، ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی مستمر، ماضی نقلی و ماضی بعید وجود دارد که از اضافه شدن شناسه‌های خاص فعلی به مادهٔ فعلی ساخته می‌شوند. برای زمان آینده ساخت ویژه‌ای وجود ندارد و مانند گویش رودباری و زبان فارسی معیار، مضارع اخباری برآینده نیز دلالت می‌کند. در این بخش از پژوهش، در ابتدا به بررسی ساخت فعل، صرف فعل در زمان‌ها و وجه‌های مختلف پرداخته شده است.

۴.۱. ماده

در گونهٔ براهویی رودبار، فعل به دو شکل ساخته می‌شود: در برخی افعال، فعل بر پایهٔ یک ماده ساخته می‌شود. به بیان دیگر، ماده تنها بر عمل دلالت می‌کند نه بر زمان یا وجه. زمان و وجه فعل و نیز شخص و شمار آن با شناسه‌های فعلی معین می‌گردد. این ماده برای ساختن همهٔ زمان‌ها و وجه‌ها و نمودها که شامل زمان مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع در جریان، امر، ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی نقلی، ماضی بعید و ماضی در جریان است، به کار می‌رود. در برخی دیگر از افعال، فعل بر پایهٔ دو مادهٔ ماضی و مضارع ساخته می‌شود. مادهٔ مضارع برای ساختن زمان مضارع و امر به کار می‌رود و مادهٔ ماضی برای ساختن زمان‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی نقلی، ماضی بعید و ماضی در جریان به کار می‌رود. در زیر، ماده‌های فعلی آورده شده‌اند:

یکم. فعل‌هایی که بر پایهٔ یک ماده ساخته می‌شوند.

.۱

| ماده | مصدر | معنی |
|----------------------|-------------------------|------------|
| [ʔrsieng-] | [ʔarsieng-eng] | «برگشتن» |
| [bier-] | [bier-eng] | «دوشیدن» |
| [ʔill-] | [ʔill-eng] | «ترک کردن» |
| [mall-] | [mall-eng] | «گشودن» |
| [max-] | [max-eng] | «خندیدن» |
| [muG-] | [muG-eng] | «دوختن» |
| [narr-] | [narr-eng] | «دویدن» |
| [perG-] | [perG-eng] | «شکستن» |
| [sell-] | [sell-eng] | «شستن» |
| [taff-] | [taff-eng] | «بستن» |
| [tamm-] | [tamm-eng] | «افتادن» |
| [tus-] | [tus-eng] | «نشستن» |
| [xâč-] | [xâč-eng] | «خوابیدن» |
| [xann-] | [xann-eng] | «دیدن» |
| [xuešk-] | [xuešk-eng] | «مالیدن» |
| [x ^w ân-] | [x ^w ân-eng] | «خواندن» |
| [ʔoSeng-] | [ʔoSeng-eng] | «سوختن» |
| [šowel-] | [Sowel-eng] | «ریختن» |
| [wueG-] | [wueG-eng] | «گریستن» |

دوم. فعل‌هایی که بر پایه دو ماده ماضی و مضارع ساخته می‌شوند.

.۲

| ماده مضارع | ماده ماضی | مصدر | معنی |
|------------|-----------|--------------------------|-----------|
| [beɫ-] | [betie-] | [beɫ-eng] | «انداختن» |
| [die-] | [darie-] | [dann-eng] [darr-eng] | «بردن» |
| [kie-] | [karr-] | [kann-eng] [karr-eng] | «کردن» |
| [kas-] | [kay-] | [kaʔ-eng] | «مردن» |

| | | | |
|----------|----------|--------------------------|-----------------|
| [konie-] | [kong-] | [kon-eng] | « خوردن » |
| [pâ-] | [pârie-] | [pâr-eng] | « گفتن » |
| [?alie-] | [?alk-] | [?all-eng] | « گرفتن » |
| [salie-] | [salk-] | [sall-eng] | « ایستادن » |
| [xalie-] | [xalk-] | [xall-eng] | « دزدیدن، زدن » |
| [?arie-] | [?as-] | [?ass-eng] [?ann-eng] | « بودن » |
| [barie-] | [bass-] | [bass-eng] [bann-eng] | « آمدن » |
| [marie-] | [mass-] | [mass-eng] [mann-eng] | « شدن » |
| [kâ-] | [hen-] | [(h)en-eng] | « رفتن » |
| [yiet-] | [tos-] | [yiet-eng] | « دادن » |
| [?at-] | | | |
| | [yes-] | [?at-eng] | « آوردن » |

۲.۴. مصدر

یکم. در براهویی رودبار، مصدر از طریق افزوده شدن پسوند /-eng/ به ماده ساخته می شود.
۳.

| | | | |
|-------------|------------|------------|--------------|
| [yiet-eng] | « دادن » | [taf-eng] | « بستن » |
| [pâr-eng] | « گفتن » | [ka-eng] | « مردن » |
| [(h)en-eng] | « رفتن » | [?ill-eng] | « ترک کردن » |
| [xošk-eng] | « مالیدن » | at-eng] | « آوردن » |
| [max-eng] | « خندیدن » | [taf-eng] | « بستن » |

دوم. از برخی از فعل ها، دو مصدر ساخته می شود، مانند:
۴.

| | | |
|------------|------------|----------|
| [darr-eng] | [dann-eng] | « بردن » |
| [karr-eng] | [kann-eng] | « کردن » |
| [?ann-eng] | [?ass-eng] | « بودن » |
| [bann-eng] | [bass-eng] | « آمدن » |

سوم. فعل «شدن» با سه مصدر ساخته می شود:

| | | | |
|------------|-------------|------------|----|
| [mann-eng] | [marie-eng] | [mass-eng] | ۵. |
|------------|-------------|------------|----|

۳.۴. وندهای تصریفی فعل

۱. وند نمود استمراری پسوند -a است که در زمان ماضی استمراری به کار می‌رود.^۱
۶.

| | | | |
|------------|----------|--------------|-------------|
| [narr-âk] | «دوید» | [narr-âk-a] | «می‌دوید» |
| [tâyes-ot] | «دانستم» | [tâyes-ot-a] | «می‌دانستم» |

۴.۴. تکواژهای نهی و نفی

۴.۴.۱. وند نهی

۷. وند نهی به شکل تکواژهای /pa/ و /fa/ ظاهر می‌شود. در فعل امر، زمانی که ماده فعل مختوم به همخوان باشد، وند نهی ساز /pa/ و زمانی که مختوم به واکه باشد وند نهی ساز /fa/ به کار می‌رود. در فعل‌های امر دوم شخص مفرد، جزء منفی ساز به آخر فعل اضافه می‌گردد اما در امر دوم شخص جمع، بین ماده فعلی و شناسه می‌آید.

| | | | |
|---------------|----------|---------------|----------|
| [narr-ak] | «بدو» | [narr-pa] | «ندو» |
| [parreng-ak] | «بپر» | [parreng-pa] | «نپر» |
| [?arsieŋg-ak] | «برگرد» | [?arsieŋg-pa] | «برنگرد» |
| [kon-ak] | «بخور» | [kom-pa] | «نخور» |
| [marr-ak] | «بشو» | [ma-fa] | «نشو» |
| [narr-bo] | «بدوید» | [narr-pa-bo] | «ندوید» |
| [kon-bo] | «بخورید» | [kom-pa-bo] | «نخورید» |
| [ma-bo] | «بشوید» | [ma-pa-bo] | «نشوید» |

۴.۴.۲. وند نفی

۸. وند نفی به شکل تکواژهای /pa/، /pie/، /p/، /fa/، /f/، /to/ و /t/ ظاهر می‌شود. در فعل‌های مضارع اخباری، التزامی، ماضی ساده، استمراری، نقلی و بعید، زمان منفی کردن، وند نفی ساز بین ماده فعلی و شناسه ظاهر می‌شود.

^۱ در دوم شخص جمع، پسوند استمراری ساز /-a/ زمانی که با شناسه /-e/ ادغام می‌شود به صورت [-e] ظاهر می‌شود.
[?alli-ere] / +/ -a/ →

| | | | |
|---------------|--------------|-----------------|--------------|
| [narr-âre] | «دویدید» | [narr-to-re] | «ندویدید» |
| [ʔas-on] | «بودیم» | [ʔa-f-on] | «نبودیم» |
| [ʔarie-t] | «هستم» | [ʔar-pie-t] | «نیستم» |
| [ʔali-ek] | «می‌گیرد» | [ʔal-pa-k] | «نمی‌گیرد» |
| [tus-e-s-ot] | «نشسته بودم» | [tus-e-s-t-ot] | «نشسته بودم» |
| [bass-o-n-ot] | «آمده‌ام» | [bass-o-n-t-ot] | «نیامده‌ام» |

الف) صرف منفی چند فعل

۱. منفی مضارع اخباری «بودن»

۹.

| | | | |
|--------------|----------|-------------|---------|
| [ʔar-pie-n] | «نیستیم» | [ʔar-pie-t] | «نیستم» |
| [ʔar-pie-re] | «نیستید» | [ʔar-pie-s] | «نیستی» |
| [ʔar-pie-r] | «نیستند» | [ʔar-pie-e] | «نیست» |

۲. منفی ماضی ساده «گرفتن»

۱۰.

| | | | |
|-------------|-----------|------------|----------|
| [ʔal-to-n] | «نگرفتم» | [ʔal-t-ot] | «نگرفتم» |
| [ʔal-t-ore] | «نگرفتید» | [ʔal-t-os] | «نگرفتی» |
| [ʔal-t-or] | «نگرفتند» | [ʔal-t-o] | «نگرفت» |

۳. منفی ماضی نقلی «گفتن»

۱۱.

| | | | |
|-----------------|-------------|----------------|-------------|
| [pârie-n-t-on] | «نگفته‌ایم» | [pârie-n-t-ot] | «نگفته‌ام» |
| [pârie-n-t-ore] | «نگفته‌اید» | [pârie-n-t-os] | «نگفته‌ای» |
| [pârie-n-t-or] | «نگفته‌اند» | [pârie-n-t-e] | «نگفته‌است» |

۴. منفی ماضی بعید «رفتن»

۱۲.

| | | | |
|------------------|---------------|-----------------|--------------|
| [(h)enâ-s-t-on] | «نرفته بودیم» | [(h)enâ-s-t-ot] | «نرفته بودم» |
| [(h)enâ-s-t-ore] | «نرفته بودید» | [(h)enâ-s-t-os] | «نرفته بودی» |
| [(h)enâ-s-t-or] | «نرفته بودند» | [(h)enâ-s-t-e] | «نرفته بود» |

۴.۵. ماده سببی یا واداری

در براهویی رودبار، ماده سببی از طریق اضافه شدن تکواژ سببی ساز /-iefie/ به ماده فعلی غیر سببی ساخته می شود.

۱۳.

| مصدر غیر سببی | ماده غیر سببی | معنی تآ | مصدر سببی | ماده سببی | معنی |
|---------------|---------------|-----------|---------------|-------------|------------|
| [xâčeng] | [xâč-] | «خوابیدن» | [xâč-iefieng] | [xâč-iefie] | «خواباندن» |
| [xoliseng] | [xolis-] | «ترسیدن» | [xol-iefieng] | [xol-iefie] | «ترساندن» |
| [pâ leng] | [pâl-] | «جوشیدن» | [pal-iefieng] | [pal-iefie] | «جوشاندن» |
| [xiseng] | [xis-] | «خیسیدن» | [xis-iefieng] | [xis-iefie] | «خیساندن» |

۴.۶. شناسه های فعلی

۴.۶.۱. شناسه های مضارع اخباری

شناسه های خاص مضارع اخباری در جدول زیر آورده شده اند. در مواردی که ماده فعلی مختوم به واکه یا مختوم به همخوان باشد، یک گروه از شناسه های زیر برای ساخت مضارع اخباری به کار می رود که در ادامه به آن ها اشاره می شود.

۱. زمانی که، ماده فعل مختوم به واکه /â/ باشد، شناسه های زیر برای ساختن مضارع اخباری به کار می رود.

۱۴.

| مفرد | جمع |
|------|-----|
| ۱ | ۱ |
| ۲ | ۲ |
| ۳ | ۳ |

۲. زمانی که، ماده فعل مختوم به واکه ی مرکب ie باشد شناسه های زیر برای ساختن مضارع اخباری به کار می رود.

۱۵.

| | | | |
|---|----------------|---|----------------|
| ۱ | -va/-iva/ -eva | ۱ | -na/-ina/ -ena |
| ۲ | -sa/-isa/ -esa | ۲ | -re/-ire/ -ere |
| ۳ | -ik/ -ek | ۳ | -ra/-ira/ -era |

۳. زمانی که، ماده فعل مختوم به واکه های /a/, /i/, /e/, /o/ و همخوان باشد شناسه های زیر برای ساختن مضارع اخباری به کار می رود.

۱۶.

| | | | |
|-----------|---|-----------|---|
| -ena/-ina | ۱ | -ova/-iva | ۱ |
| -ere/-ire | ۲ | -esa/-isa | ۲ |
| -era/-ira | ۳ | -ek/-ik | ۳ |

۴.۶.۲. شناسه های مضارع التزامی

۱۷.

| | | | |
|------|---|-----|---|
| -n | ۱ | -o | ۱ |
| -bo | ۲ | -ak | ۲ |
| -/-r | ۳ | -e | ۳ |

۴.۶.۳. شناسه های امر

۱۸.

| | | | |
|------|---|-------|---|
| - | ۱ | - | ۱ |
| - bo | ۲ | -/-ak | ۲ |
| - | ۳ | - | ۳ |

۴.۶.۴. شناسه های ماضی ساده

۱. زمانی که ماده فعلی مختوم به واکه باشد، شناسه های زیر در ساخت ماضی ساده به کار می رود.

۱۹.

| | | | |
|-----|---|----|---|
| -n | ۱ | -t | ۱ |
| -re | ۲ | -s | ۲ |
| -r | ۳ | - | ۳ |

۲. زمانی که ماده فعلی مختوم به همخوان باشد، شناسه های زیر در ساخت ماضی ساده به کار می رود.

۲۰.

| | | | |
|-----------|---|---------|---|
| -on/-ân | ۱ | -ot/-ât | ۱ |
| -ore/-âre | ۲ | -os/-âs | ۲ |
| -or/-âr | ۳ | -â | ۳ |

۴.۷. زمان، وجه، نمود

در گونهٔ براهویی فعل از نظر زمان، وجه و نمود مشتمل بر گونه‌هایی است: ۱. مضارع اخباری ۲. مضارع التزامی ۳. مضارع مستمر ۴. امر ۵. ماضی ساده ۶. ماضی استمراری ۷. ماضی مستمر ۸. ماضی نقلی ۹. ماضی بعید. در ادامه هر کدام از این زمان‌ها به تفصیل توضیح داده می‌شود و برای هر کدام مثال‌هایی از فعل‌های لازم، متعدی و همچنین فعل‌های پر کاربرد و اصلی زده خواهد شد.

۴.۷.۱. مضارع اخباری

فعل مضارع اخباری، از مادهٔ فعلی یا مادهٔ مضارع و شناسه‌های مخصوص مضارع اخباری ساخته می‌شود:

۱. مضارع اخباری «دانستن» از مصدر /tâ-y-eng/ و مادهٔ مضارع /tâ-/
۲۱.

| | | | |
|---------|------------|------------------------|-----------|
| [tâ-na] | «می دانیم» | [tâ-va] | «می دانم» |
| [tâ-re] | «می دانید» | [tâ-sa] | «می دانی» |
| [tâ-ra] | «می دانند» | [tâ-y-ek] ^۱ | «می داند» |

۲. مضارع اخباری «گرفتن» از مصدر /?all-eng/ و مادهٔ مضارع /?allie-/
۲۲.

| | | | |
|-------------|------------|--------------------------|-----------|
| [?allie-na] | «می گیریم» | [?allie-va] ^۲ | «می گیرم» |
| [?allie-re] | «می گیرید» | [?allie-sa] | «می گیری» |
| [?allie-ra] | «می گیرند» | [?allie-k] | «می گیرد» |

۳. مضارع اخباری «شدن» از مصدر /marie-eng/ و مادهٔ مضارع /marie-/
۲۳.

| | | | |
|------------|-----------|------------|----------|
| [marie-na] | «می شویم» | [marie-va] | «می شوم» |
| [marie-re] | «می شوید» | [marie-se] | «می شوی» |
| [marie-ra] | «می شوند» | [marie-k] | «می شود» |

۴. مضارع اخباری «رفتن» از مصدر /(h)en-eng/ و مادهٔ مضارع /kâ-/
۲۴.

^۱ بین دو واکهٔ /â/ و /e/ همخوان میانجی /y/ ظاهر شده‌است.

^۲ ادغام واکهٔ ماده با واکهٔ شناسه

۲۴.

| | | | |
|---------|-----------|-----------|----------|
| [kâ-na] | «می‌رویم» | [kâ-va] | «می‌روم» |
| [kâ-re] | «می‌روید» | [kâ-sa] | «می‌روی» |
| [kâ-ra] | «می‌روند» | [kâ-y-ek] | «می‌رود» |

۵. مضارع اخباری «کردن» از مصدر /kann-eng/ ماده مضارع /kie-/

۲۵.

| | | | |
|----------|-----------|----------|----------|
| [kie-na] | «می‌کنیم» | [kie-va] | «می‌کنم» |
| [kie-re] | «می‌کنید» | [kie-se] | «می‌کنی» |
| [kie-ra] | «می‌کنند» | [kie-k] | «می‌کند» |

۶. مضارع اخباری «بودن» از مصدر /?ann-eng/ و ماده مضارع /?arie-/

مضارع اخباری فعل بودن بر خلاف قاعده ساخت مضارع اخباری در گونه براهویی ساخته می‌شود. به این شکل که، از ماده مضارع /?arie-/ و صورت‌های متصل فعل بودن ساخته می‌شود.

۲۶.

| | | | |
|------------|---------|------------------------|--------|
| [?arie-n] | «هستیم» | [?arie-t] ^۱ | «هستم» |
| [?arie-re] | «هستید» | [?arie-s] | «هستی» |
| [?arie-r] | «هستند» | [?ari-e] | «هست» |

۷. مضارع اخباری متصل «بودن»^۲

۲۷.

| | | | |
|--------|-------|-------|-------|
| /-on/ | «ایم» | /-ot/ | «ام» |
| /-ore/ | «اید» | /-os/ | «ای» |
| /-or/ | «اند» | /-e/ | «است» |

در براهویی رودبار فعل «داشتن» در زمان حال وجود ندارد، مفهوم داشتن با استفاده از یک ساخت نحوی بیان می‌شود. به این صورت که، از حالت مفعولی اسم یا ضمیر شخصی به همراه مضارع اخباری سوم شخص مفرد فعل بودن، مضارع «داشتن» ساخته می‌شود.^۱

^۱ [?arie-ot → ?arie-t]

^۲ از مقایسه صورت‌های متصل با منفصل مشخص می‌شود که صورت‌های منفصل، با افزوده شدن صورت‌های متصل به یک ماده ساخته شده‌اند. صرف مضارع اخباری متصل فعل بودن، به عنوان فعل اسنادی/ربطی به کار می‌رود.

۲۸.

| | | | |
|-----------------|----------------------|-----------------|--------------------|
| [nan-y-e ?arie] | «ما را هست ← داریم» | [kan-y-e ?arie] | «من را هست ← دارم» |
| [?arie nan-y-e] | | [arie kan-y-e] | |
| [nom-y-e ?arie] | «شما را هست ← دارید» | [ni-y-e ?arie] | «تو را هست ← داری» |
| [?arie nom-y-e] | | [?arie ni-y-e] | |
| [yiet-e ?arie] | «آن‌ها را هست | [yied-e ?arie] | «او را هست ← دارد» |
| [?arie yiet-e] | ← دارند» | [?arie yied-e] | |

۴.۷.۲. مضارع التزامی

از ماده فعلی یا ماده مضارع و شناسه‌های خاص، مضارع التزامی ساخته می‌شوند.

۱. مضارع التزامی «دانستن» از مصدر /tâ-y-eng/ و ماده مضارع /tâ-/

۲۹.

| | | | |
|-----------|----------|-----------|---------|
| [tâ-y-in] | «بدانیم» | [tâ-y-o] | «بدانم» |
| [tâ-y-bo] | «بدانید» | [tâ-y-ak] | «بدانی» |
| [tâ-y-er] | «بدانند» | [tâ-y-e] | «بداند» |

۲. مضارع التزامی «گرفتن» از مصدر /?all-eng/ و ماده مضارع /?all-/

۳۰.

| | | | |
|-------------|----------|------------|---------|
| [?all-in] | «بگیریم» | [?all-y-o] | «بگیرم» |
| [?all-bo] | «بگیرید» | [?all-ak] | «بگیری» |
| [?all-y-er] | «بگیرند» | [?all-y-e] | «بگیرد» |

۳. مضارع التزامی «شدن» از مصدر /marie-eng/ و ماده مضارع /mar-/

۳۱.

| | | | |
|------------|---------|-----------|--------|
| [mar-in] | «بشویم» | [mar-y-o] | «بشوم» |
| [mar-bo] | «بشوید» | [mar-ak] | «بشوی» |
| [mar-y-er] | «باشند» | [mar-y-e] | «بشود» |

۴. مضارع التزامی «کردن» از مصدر /karr-eng/ و ماده مضارع /kier-/

^۲ در گویش‌های بندرعباسی، منوجانی، بشاگردی و فارسی قدیم گاهی اوقات برای نشان دادن معنای فعل داشتن، از فعل بودن استفاده می‌کند و برای بیان مفهوم آن از یک ساخت نحوی استفاده می‌شود. به این صورت که از حالت مفعولی و فعل بودن ساخته می‌شود. نمونه در متون قدیم فارسی: مرا چشمی است خون افشان (من چشمی خون افشان دارم) و پدری بود و او را سه پسر بود (سه پسر داشت).

۳۲

| | | | |
|-----------|---------|------------|--------|
| [kier-in] | «بکنیم» | [kier-y-o] | «بکنم» |
| [kier-bo] | «بکنید» | [kier-ak] | «بکنی» |
| [kier-er] | «بکنند» | [kier-e] | «بکند» |

۵. مضارع التزامی «رفتن» از مصدر /h(en-eng)/، ماده مضارع /kâ-/

۳۳

| | | | |
|-----------|---------|----------|--------|
| [kâ-y-in] | «برویم» | [kâ-y-o] | «بروم» |
| [kâ-bo] | «بروید» | [kâ-k] | «بروی» |
| [kâ-y-er] | «بروند» | [kâ-y-e] | «برود» |

۴.۷.۳. مضارع مستمر

مضارع مستمر از یک جزء ثابت که در اصل مضارع اخباری سوم شخص مفرد «داشتن» /dâštan/ فارسی است به اضافه مضارع اخباری فعل اصلی ساخته می‌شود.

۱. مضارع مستمر «شدن»

۳۴

| | | | |
|----------------|---------------|----------------|-----------------|
| [dâre marieva] | «دارم می شوم» | [dâre mariena] | «داریم می شویم» |
| [dâre mariesa] | «داری می شوی» | [dâre marier] | «دارید می شوید» |
| [dâre mariek] | «دارد می شود» | [dâre mariera] | «دارند می شوند» |

۲. مضارع مستمر «خواندن»

۳۵

| | | | |
|-----------------------------|-----------------|-----------------------------|-------------------|
| [dâre x ^w âneva] | «دارم می خوانم» | [dâre x ^w ânena] | «داریم می خوانیم» |
| [dâre x ^w ânesa] | «داری می خوانی» | [dâre x ^w âner] | «دارید می خوانید» |
| [dâre x ^w ânek] | «دارد می خواند» | [dâre x ^w ânera] | «دارند می خوانند» |

۴.۷.۴. امر

امر دوم شخص مفرد یا خود ماده مضارع واقع می‌شود^۱ یا با اضافه شدن تکواژ -ak به ماده مضارع ساخته می‌شود و در مواردی نیز به هر دو صورت ظاهر می‌شود. امر دوم شخص جمع با اضافه کردن تکواژ -bo به ماده مضارع ساخته می‌شود:

^۱ احتمالاً تحت تأثیر زبان‌های ایرانی مثل فارسی، بلوچی یا رودباری قرار گرفته است.

۳۶

| | | | |
|---------------|----------|---------------|------------|
| [tâ] | «بدان» | [tâ-y-bo] | «بدانید» |
| [tâ-y-ak] | | | |
| [narr-ak] | «بدو» | [narr-bo] | «بدوید» |
| [muG-ak] | «بدوز» | [muG-bo] | «بدوزید» |
| [ʔarsieng] | «برگرد» | [ʔarsieng-bo] | «برگردید» |
| [ʔarsieng-ak] | | | |
| [tus] | «بنشین» | [tus-bo] | «بنشینید» |
| [tus-ak] | | | |
| [bet-ak] | «بینداز» | [bet-bo] | «بیندازید» |
| [ʔall-ak] | «بگیر» | [ʔall-bo] | «بگیرید» |
| [marr-ak] | «بشو» | [ma-bo] | «بشوید» |

۴.۷.۵. آینده

ساخت ویژه‌ای برای آینده وجود ندارد و مانند گویش رودباری و زبان فارسی گفتاری، مفهوم آینده با مضارع اخباری بیان می‌شود.

۳۷. «حسن فردا صبح می‌رود»

[Hassan paggi sob kê-y-ek]

۴.۷.۶. ماضی ساده

از ماده فعلی و شناسه‌های خاص ماضی ساده ساخته می‌شود.

۱. ماضی ساده «دانستن» از مصدر /tây-eng/، ماده ماضی /tâyes-/

۳۸

| | | | |
|-------------|-----------|------------|----------|
| [tâyes-on] | «دانستیم» | [tâyes-ot] | «دانستم» |
| [tâyes-ore] | «دانستید» | [tâyes-os] | «دانستی» |
| [tâyes-or] | «دانستند» | [tâyes] | «دانست» |

۲. ماضی ساده «افتادن» از مصدر /tamm-eng/، ماده فعلی /tamm-/

۳۹

| | | | |
|------------|-----------|-----------|----------|
| [tamm-ân] | «افتادیم» | [tamm-ât] | «افتادم» |
| [tamm-âre] | «افتادید» | [tamm-âs] | «افتادی» |
| [tamm-âr] | «افتادند» | tamm-â | «افتاد» |

۳. ماضی ساده «گرفتن» از مصدر /ʔall-eng/ و ماده ماضی /ʔalk-/

۴۰.

| | | | |
|------------|----------|-----------|---------|
| [ʔalk-on] | «گرفتیم» | [ʔalk-ot] | «گرفتم» |
| [ʔalk-ore] | «گرفتید» | [ʔalk-os] | «گرفتی» |
| [ʔalk-or] | «گرفتند» | [ʔalk] | «گرفت» |

۴. ماضی ساده «بودن» از مصدر /ʔass-eng/ و ماده ماضی /ʔass-/

۴۱.

| | | | |
|------------|---------|-----------|--------|
| [ʔass-on] | «بودیم» | [ʔass-ot] | «بودم» |
| [ʔass-ore] | «بودید» | [ʔass-os] | «بودی» |
| ass-or]ʔ[| «بودند» | ass]ʔ[| «بود» |

مفهوم ماضی ساده فعل «داشتن» در این گونه زبانی با کمک حالت مفعولی اسم یا ضمیر شخصی به همراه ماضی ساده سوم شخص مفرد فعل بودن منتقل می شود.

۴۲.

| | | | |
|---------------|------------------|---------------|--------------------|
| [nan-y-e ʔas] | «ما را بود ←» | [kan-y-e ʔas] | «من را بود ←» |
| [ʔas nan-y-e] | «داشتیم» | [ʔas kan-y-e] | «داشتم» |
| [nom-y-e ʔas] | «شمارا بود ←» | [ni-y-e ʔas] | «تو را بود ←» |
| [ʔas nom-y-e] | «داشتید» | [ʔas ni-y-e] | «داشتی» |
| [yeit-e ʔas] | «آن‌ها را بود ←» | [Yietie ʔas] | «او را بود ← داشت» |
| [ʔas yeit-e] | «داشتند» | [ʔas yied-e] | |

۵. ماضی ساده «شدن» از مصدر /mass-eng/ و ماده ماضی /mass-/

۴۳.

| | | | |
|------------|--------|-----------|-------|
| [mass-on] | «شدیم» | [mass-ot] | «شدم» |
| [mass-ore] | «شدید» | [mass-os] | «شدی» |
| [mass-or] | «شدند» | [mass] | «شد» |

۶. ماضی ساده «رفتن» از مصدر /h/en-eng/، ماده ماضی /h/enâ-/

۴۴.

| | | | |
|-------------|---------|------------|--------|
| [(h)enâ-n] | «رفتیم» | [(h)enâ-t] | «رفتم» |
| [(h)enâ-re] | «رفتید» | [(h)enâ-s] | «رفتی» |
| [(h)enâ-r] | «رفتند» | [(h)enâ] | «رفت» |

۴.۷.۷. ماضی استمراری

ماضی استمراری از ماضی ساده ووند /-a/ ساخته می شود:

۱. ماضی استمراری «دانستن»

۴۵.

| | | | |
|--------------------------|--------------|--------------|-------------|
| [tâyes-on-a] | «می دانستیم» | [tâyes-ot-a] | «می دانستم» |
| [tâyes-ore] ^۱ | «می دانستید» | [tâyes-os-a] | «می دانستی» |
| [tâyes-or-a] | «می دانستند» | [tâyes-ak-a] | «می دانست» |

۲. ماضی استمراری «افتادن»

۴۶.

| | | | |
|-------------|--------------|-------------|-------------|
| [tamm-ân-a] | «می افتادیم» | [tamm-ât-a] | «می افتادم» |
| [tamm-âre] | «می افتادید» | [tamm-âs-a] | «می افتادی» |
| [tamm-âr-a] | «می افتادند» | [tamm-âk-a] | «می افتاد» |

۳. ماضی استمراری «گرفتن»

۴۷.

| | | | |
|-------------|-------------|-------------|------------|
| [?alk-on-a] | «می گرفتیم» | [?alk-ot-a] | «می گرفتم» |
| [?alk-ore] | «می گرفتید» | [?alk-os-a] | «می گرفتی» |
| [?alk-or-a] | «می گرفتند» | [?alk-ak-a] | «می گرفت» |

۴. ماضی استمراری «شدن»

۴۸.

| | | | |
|-------------|-----------|-------------|----------|
| [mass-on-a] | «می شدیم» | [mass-ot-a] | «می شدم» |
| [mass-ore] | «می شدید» | [mass-os-a] | «می شدی» |
| [mass-or-a] | «می شدند» | [mass-ak-a] | «می شد» |

۴.۷.۸. ماضی نقلی

از ماده فعلی به اضافه تکواژ /-on/ و صورت های متصل فعل «بودن» ساخته می شود:

۱. ماضی نقلی «آمدن»

^۱ ادغام واکه شناسه با وند استمراری ساز /-a/

۴۹.

| | | | |
|---------------|------------|--------------|----------|
| [bass-on-on] | «آمده ایم» | [bass-on-ot] | آمده ام |
| [bass-on-ore] | «آمده اید» | [bass-on-os] | آمده ای |
| [bass-on-or] | «آمده اند» | [bass-on-e] | آمده است |

۲. ماضی نقلی «شدن»

۵۰.

| | | | |
|---------------|-----------|--------------|-----------|
| [mass-on-on] | «شده ایم» | [mass-on-ot] | «شده ام» |
| [mass-on-ore] | «شده اید» | [mass-on-os] | «شده ای» |
| [mass-on-or] | «شده است» | [mass-on-e] | «شده است» |

۳. ماضی نقلی «گفتن»

۵۱.

| | | | |
|----------------------------|------------|--------------|------------|
| [pârie ¹ -n-on] | «گفته ایم» | [pârie-n-ot] | «گفته ام» |
| [pârie-n-ore] | «گفته اید» | [pârie-n-os] | «گفته ای» |
| [pârie-n-or] | «گفته اند» | [pârie-n-e] | «گفته است» |

۴. ماضی نقلی «بودن»

۵۲.

| | | | |
|--------------|------------|-------------|------------|
| [ʔas-on-on] | «بوده ایم» | [ʔas-on-ot] | «بوده ام» |
| [ʔas-on-ore] | «بوده اید» | [ʔas-on-os] | «بوده ای» |
| [ʔas-on--or] | «بوده اند» | [ʔas-on-e] | «بوده است» |

مفهوم ماضی نقلی فعل «داشتن» در این گونه زبانی با کمک حالت مفعولی اسم یا ضمیر شخصی به همراه ماضی نقلی سوم شخص مفرد فعل بودن منتقل می شود.

۵۳.

| | | | |
|------------------|---------------------------------|------------------|------------------------------|
| nan-y-e ʔas-on-e | «ما را بوده است ← داشته ایم» | kan-y-e ʔas-on-e | «من را بوده است ← داشته ام» |
| ʔas-on-e nan-y-e | | ʔas-on-e kan-y-e | |
| nom-y-e ʔas-on-e | «شما را بوده است ← داشته اید» | Ni-y-e ʔas-on-e | «تو را بوده است ← داشته ای» |
| ʔas-on-e nom-y-e | | ʔas-on-e ni-y-e | |
| Yeit-e ʔas-on-e | «آن ها را بوده است ← داشته اند» | Yied-e ʔas-on-e | «او را بوده است ← داشته است» |
| ʔas-on-e yeit-e | | ʔas-on-e yied-e | |

^۱ ادغام واکنه ماده فعلی و واکنه تکواژ نقلی ساز.

۹.۷.۴ ماضی بعید

از ماده فعلی و جزء /-S/ و صورت‌های متصل فعل «بودن» ساخته می‌شود:

۱. ماضی بعید «گفتن»

۵۴

| | | | |
|---------------|--------------|--------------|-------------|
| [pârie-s-on] | «گفته بودیم» | [pârie-s-ot] | «گفته بودم» |
| [pârie-s-ore] | «گفته بودید» | [pârie-s-os] | «گفته بودی» |
| [pârie-s-or] | «گفته بودند» | [pârie-s-e] | «گفته بود» |

۲. ماضی بعید «نشستن»

۵۵

| | | | |
|----------------------------|---------------|--------------|--------------|
| [tus-e ¹ -s-on] | «نشسته بودیم» | [tus-e-s-ot] | «نشسته بودم» |
| [tus-e-s-ore] | «نشسته بودید» | [tus-e-s-os] | «نشسته بودی» |
| [tus-e-s-or] | «نشسته بودند» | [tus-e-s-e] | «نشسته بود» |

۳. ماضی بعید «رفتن»

۵۶

| | | | |
|----------------|------------|---------------|-----------|
| [(h)enâ-s-on] | رفته بودیم | [(h)enâ-s-ot] | رفته بودم |
| [(h)enâ-s-ore] | رفته بودید | [(h)enâ-s-os] | رفته بودی |
| [(h)enâ-s-or] | رفته بودند | [(h)enâ-s-e] | رفته بود |

۴. ماضی بعید «شدن»

۵۷

| | | | |
|----------------|-------------|---------------|------------|
| [mass-e-s-on] | «شده بودیم» | [mass-e-s-ot] | «شده بودم» |
| [mass-e-s-ore] | «شده بودید» | [mass-e-s-os] | «شده بودی» |
| [mass-e-s-or] | «شده بودند» | [mass-e-s-e] | «شده بود» |

۱۰.۷.۴ ماضی مستمر

ماضی مستمر از یک جزء ثابت که در اصل ماضی ساده سوم شخص مفرد «داشتن» /dâštan/

فارسی است به اضافه ماضی ساده فعل اصلی ساخته می‌شود.

۱. ماضی مستمر «رفتن»

۵۸

| | | | |
|-----------------|-----------------|-----------------|-------------------|
| [dâšt (h)enâta] | «داشتم می رفتم» | [dâšt (h)enâna] | «داشتیم می رفتیم» |
| [dâšt (h)enâsa] | «داشتی می رفتی» | [dâšt (h)enâre] | «داشتید می رفتید» |
| [dâšt (h)enâka] | «داشت می رفت» | [dâšt (h)enâra] | «داشتند می رفتند» |

۲. ماضی مستمر «خواندن»

۵۹

| | | | |
|----------------------------|-------------------|-----------------------------|---------------------|
| [dâšt x ^w ânât] | «داشتم می خواندم» | [dâšt x ^w ânân] | «داشتیم می خواندیم» |
| [dâšt x ^w ânâs] | «داشتی می خواندی» | [dâšt x ^w ânâre] | «داشتید می خواندید» |
| [dâšt x ^w ânâ] | «داشت می خواند» | [dâšt x ^w ânâr] | «داشتند می خواندند» |

۴. ۸. فعل مجهول

جمله های مجهول به باور آجر (Adger, 2003, p. 229) جایگزین جفت های معلومشان هستند، اما نه یک جایگزین بی کم و کاست. از این رو راسخ مهند (Rasekhmahand, 2007) معتقد است، مجهول در طبقه فرآیندهایی قرار می گیرد که ظرفیت نحوی فعل و به عبارتی نقش دستوری فعل و نه نقش معنایی آن را تغییر می دهد (Sharifipurs, 2017, p. 207).

در گونه براهویی رودبار جنوب، فعل مجهول با مصدر به همراه صرف فعل معین شدن /masseng/ متناسب با زمان مورد نظر ساخته می شود. در این گونه زبانی، مضارع اخباری مجهول، امر مجهول، ماضی ساده مجهول و ماضی استمراری مجهول وجود دارد. پس از توضیح نحوه ساخت فعل مجهول در هر زمان و وجه، مجهول دوم شخص مفرد [xann-eng] «دیدن» به عنوان نمونه آورده می شود.

۴. ۸. ۱. مضارع اخباری مجهول

از مصدر به همراه مضارع اخباری /masseng/ ساخته می شود.

۶۰. «دیده می شوی» [xanneng mariese]

۴. ۸. ۲. امر مجهول

از مصدر به همراه امر /masseng/ ساخته می شود.

۶۱. «دیده شو» [xanneng marrak]

۴. ۸. ۳. ماضی ساده مجهول

از مصدر به همراه ماضی ساده /masseng/ ساخته می شود.

۶۲. «دیده شدی» [xanneng massot]

۴. ۸. ۴. ماضی استمراری مجهول

از مصدر به همراه ماضی استمراری /masseng/ ساخته می شود.

۶۳. «دیده می شدی» [xanneng massota]

۵. نتیجه گیری

یافته های حاصل از بررسی ساختمان فعل در گونه براهویی رودبار را می توان به شکل زیر خلاصه کرد:

۱- در گونه براهویی رودبار، فعل به دو شکل ساخته می شود: در برخی افعال، فعل بر پایه یک ماده ساخته می شود. به بیان دیگر، ماده تنها بر عمل دلالت می کند نه بر زمان یا وجه و باب. زمان و وجه فعل و نیز شخص و شمار آن با شناسه های فعلی معین می گردد. این ماده برای ساختن همه زمان ها و وجه ها و نمودها که شامل زمان مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع مستمر، امر، ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی نقلی، ماضی بعید و ماضی مستمر است، به کار می رود. در برخی دیگر از افعال، فعل بر پایه دو ماده ماضی و مضارع ساخته می شود. ماده مضارع برای ساختن زمان مضارع و امر به کار می رود و ماده ماضی برای ساختن زمان های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی نقلی، ماضی بعید و ماضی مستمر به کار می رود.

۲- فعل از نظر زمان، وجه و نمود عبارت اند از مضارع اخباری، مضارع التزامی، امر، مضارع مستمر، ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی مستمر، ماضی نقلی، ماضی بعید.

۳- پسوند مصدر ساز /-eng/ است که به ماده فعلی اضافه می گردد. بعضی از افعال دارای دو شکل مصدر هستند و فعل «شدن» با سه شکل مصدر ساخته می شود.

۴- وند استمراری ساز در ماضی استمراری /-a/ است که به انتهای شناسه های ماضی ساده متصل می شود و به آن ها حالت استمراری می دهد.

۵- وند نهی به شکل تکواژهای /pa/، /fa/ ظاهر می شود. در فعل امر، زمانی که ماده فعل مختوم به همخوان باشد، وند نهی ساز /pa/ و زمانی که مختوم به واکه باشد وند نهی ساز /fa/ است. در فعل های امر دوم شخص مفرد، جزء منفی ساز به آخر فعل اضافه می گردد اما در امر دوم شخص جمع، بین ماده فعلی و شناسه می آید.

۶- وند نفی به شکل تکواژهای /pa/ /pie/ /p/ /fa/ /f/ /to/ و /t/ ظاهر می‌شود. در فعل‌های مضارع اخباری، التزامی، ماضی ساده، استمراری، نقلی و بعید، زمان منفی کردن، وند نفی ساز بین ماده فعلی و شناسه ظاهر می‌شود.

۷- ساخت ویژه‌ای برای زمان آینده وجود ندارد. ساخت آینده مانند گویش رودباری و زبان فارسی با مضارع اخباری مشخص می‌شود.

۸- ماده واداری از ماده فعلی غیرواداری به علاوه جزء /-iefie/ ساخته می‌شود.

۹- ساخت مجهول با مصدر به همراه صرف فعل معین شدن /masseng/ متناسب با زمان مورد نظر ساخته می‌شود. در این گونه زبانی، مضارع اخباری مجهول، امر مجهول، ماضی ساده مجهول و ماضی استمراری مجهول وجود دارد.

فهرست منابع

آرلاتو، آنتونی. (۱۳۸۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*. ترجمه یحیی مدرس‌ی تهران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

راسخ مهند، محمد. (۱۳۸۶). «ساخت ناگذرا در فارسی». *زبان و زبان‌شناسی*. دوره ۳. شماره ۵. صص ۱-۲۰. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان (۱۳۹۶). *سالنامه آماری استان کرمان*. تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور.

شرفی پور شیرازی، احمدرضا. (۱۳۹۶). «از گرهی نقشی تا ساخت مجهول». *زبان پژوهی*. سال ۱۲. شماره ۲۷. صص ۲۰۱-۲۲۱.

شیبانی فرد، فاطمه و اگنس کرن (۱۳۹۶). «مطالعه شباهت‌ها و تفاوت‌های آوایی بین براهویی رودباری و گویش لاشاری ایرانشهر». ارائه شده به دومین کنفرانس بین‌المللی مسائل زبان و گویش‌ها و زبان‌شناسی. ۱۲ بهمن ۱۳۹۶. دانشگاه شهید چمران اهواز.

شیری، علی‌اکبر. (۱۳۹۷). *درآمدی بر گویش‌شناسی*. تهران: مازیار.

صدیقی نژاد، سپهر و خلیفه لو، سید فرید. (۱۳۹۶). «معرفی پاره ای از مختصات واجی منحصر به فرد گویش رودباری کرمان». *نشر پژوهی ادب فارسی*. دوره ۲۰. شماره ۴۱. صص ۲۰۴-۱۸۳.

قاسمی، نغمه. (۱۳۹۴). *بررسی زبان براهویی در منطقه بلوچستان ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

مدرس‌ی، یحیی. ۱۳۹۱. *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مطلبی، محمد. (۱۳۸۵). *بررسی گویش رودباری (کرمان)*. رساله دکتری. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مطلبی، محمد، و شیبانی فرد، فاطمه. (۱۳۹۲). مواردی از واج‌شناسی تاریخی گویش رودباری کرمان. *ادب و زبان*. شماره ۳۴. صص ۳۱۱-۳۲۹.

References

- Adger, D. (2003). *Core syntax: minimalist approach*. Oxford: Oxford University Press.
- Arlotto, A. (2005). *Introduction to historical linguistics* (Y. Modarresi. Trans.). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [In Persian].
- Chambers, J. K., & Trudgill, P. (1980). *Dialectology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Crystal, D. (2008). *A dictionary of linguistics and phonetics* (6nd ed.). New Jersey: Blackwell Publishing.
- Elfenbein, J. (1986). *Brahui*. *Encyclopædia Iranica*. New York: Columbia University. Retrieved from <<http://www.iranicaonline.org/articles/brahui>>
- Elfenbein, J. (1999). *Brahui phonology*. In A. Kaye (Ed.), *Phonologies of Asia and Africa* (pp. 797-811). Winona Lake: Eisenbrauns.
- Ethnologue (Languages of the Word) (2019). *Brahui*. Retrieved from <<https://www.ethnologue.com/language/brh>>
- Management and Planning Organization of Kerman (2017). *Statistical yearbook of Kerman province*. Tehran: Plan and Budget Organization of Iran [In Persian].
- Moddaressi, Y. (2012). *An Introduction to the sociology of language*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [In Persian].
- Motallebi, M. (2006). *The study of Rudbari dialect of Kerman* (PhD dissertation). Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran [In Persian].
- Motallebi, M. & Sheybanifard, F. (2013). Historical phonology of Roudbari dialect in Kerman. *Journal of Letters and Language*, 16(34), 311-329 [In Persian].
- Qasemi, N. (2015). *Study of Brahui language in Baluchistan region of Iran* (Master's thesis). Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran [In Persian].
- Rasekh Mahand, M. (2007). Inchoative in Persian. *Journal of Language and Linguistics*, 3(5), 1-20 [In Persian].
- Seddiqi-Nejad, S. & Khalifehlou, F. (2017). Introducing some idiosyncratic phonological features of Rūdbāri (Kerman) dialect. *Journal of Letters and Language*, 20(41), 183-204 [In Persian].
- Sharifpur Shirazi, A. (2018). From a functional node to the passive construction. *Zabanpazhuhi*, 10(27), 201-221 [In Persian].
- Sheybanifard, F. & Korn, A. (2018). A historical study of ʈ, ɖ, ɽ, K consonants and ie, ue diphthongs in Brahui dialect of Ruedbar-Jonub. *Anatolia-The Caucasus-Iran: Ethnic and Linguistic Contact (ACIC)*, 10-12 May, Yerevan, Armenia.
- Sheybanifard, F. & Korn, A. (2018). A study of similarities and differences between Brahui variety of Ruedbar-Jonub and Lashari dialect. The Second international Conference on Current Issues of Language, Dialect and Linguistics, 1-2 February, Shahid Chamran University of Ahwaz, Ahwaz, Iran [In Persian].
- Shiri, A. A. (2018). *An introduction to dialectology*. Tehran: Maziar [In Persian].
- Skjærwø, P. O. (1988). Baškardi. *Encyclopedia Iranica*, 3, 846-850.

A Description of the Verb Structure in Brahui Variety of Rudbar-Jonub

Fatemeh Sheybanifard¹
Zohreh Zarshenas²

Received: 23/12/2018
Accepted: 29/04/2019

Abstract

In India, the majority of people speak in one of the Indo-European languages, or more specifically, one of the languages derived from Sanskrit. However, in the southern part of this country there are several prevalent languages related to a family of languages that has existed since before the era of Indo-European languages, and these languages are still expanding and flourishing. This family of languages is called Dravidian, and the most important members are: Tamil, Telegu, and Malayalam. A family of languages with about 70 prevalent languages in Southern Asia belongs to the Dravidian family. They are more than 215 million people who speak in one of the Dravidian languages, who typically live in India, Pakistan, and Srilanka. The Proto-Dravidian language is the common mother language of all Dravidian languages, which has been reconstructed by linguists. The Proto-Dravidian language is divided into three sub families: Proto-North-Dravidian, Proto-Central-Dravidian, and Proto-South-Dravidian. A group of Dravidian speaking people have migrated to the borders of India and have taken residence in Aryan settlements. This group consists of Brahui in the Northwest, and Kurux and Malto in the Eastern India, the three of which belong to the family of North-Dravidian languages. Of these, the Brahui are the farthest with respect to geographical distance from their mainland, i.e. India. Almost none of the ancient characteristics of the Proto-Dravidian have been preserved by the Brahui. This language has been in contact with Indo-Aryan languages, such as Persian, for centuries and has been surrounded by these languages. At the moment, only five percent of the words used in Brahuidi language are of Dravidian origin. The Brahui language is the secluded member of the Dravidian family of languages and sometimes has been recorded as Brahuidi, Brahuigi, Bruhi, Bruhaki, and Kurgali. The first significant presence of Brahui in history goes back to the 17th century and the transcripts left by Mongols in Khanate Kalat. The Brahui language is spoken in Balochistan, mostly in the Pakistani part of the region. Brahui speakers also reside in Kalat, Karachi and

¹ PhD, Old & Middle Iranian Languages & Culture (Corresponding author); fsheibani91@yahoo.com

² Member of the Faculty & Head of the department of Old & Middle Iranian Languages & Culture, Institute for Humanities & Cultural Studies; zzarshenas@gmail.com

Heidarabad, and most of them are Bilingual (Brahui and Balochi). The Brahui language consists of three main dialects: (1) Sarawani, (2) Jhalawani, and (3) Kalati. Because of the seclusion from other languages of the Dravidian family, and also multilingualism and minority of the speakers, this language has been influenced by the non-Dravidian languages in its proximity. During the past centuries, a group of Brahui people migrated to Iran by way of Pakistan and Afganistan border. According to experts and local speakers, the Brahui first entered Iran about three or four hundred years ago. A group of them has migrated from Sistan and Baluchestan to Southern Kerman and today most of them reside in Tom-meyri village, which is a part of Rudbar Jonoub division. About two centuries after migration and mingling with the people of Rudbar, they have severed all their racial and emotional ties with their siblings in Sistan and Baluchestan region. Due to being a minority, and the need to communicate with their hosts, they have learned the language of the majority (Rudbari language variety) and have used it in their everyday lives. In recent decades, the abundance of social changes have resulted in the addition of Persian to the collection of the languages used by this people, especially the youth and the middle aged. As a result of this trilingualism, their language variety is different from the Brahui language spoken in Baluchestan. According to the statistics presented by the rural municipality of this village, the number of the Brahui who live in the region is 750 people and 155 households. Proximity with the people of Rudbar and mingling with them for two centuries have resulted in the assimilation of the Brahui with most of the cultural components of the Rudbari people. The Brahui are Muslims and they were followers of the Sunni tradition, but the Brahui of Rudbar have converted to Shiism. There is no difference between the clothing, traditions, customs, conventions, and rituals of the Brahui and the original people of Rudbar. Today, the only distinctions between the Brahui and the original people of Rudbar are the differences in appearance and language; that is, the Brahui of Rudbar are all trilingual. They speak Brahui among themselves, and use the Rudbari variety in their communications with the people of Rudbar, and they use verbal Persian in their contacts with other people. Two centuries of proximity and coexistence with the main natives of the region and the use of Rudbari dialect to interact with them have created a new variety of Brahui language, which we can call it the Brahui variety of Rudbar-Jonub. The research area is Tom-meyri village of Rudbar-Jonub. All the data in this study were field-specific and interviewed by male and female speakers (30) / from different age levels (from 9 to 100 years) and from different education. The purpose of this study is to describe the structure of verb in this variety. The verb is made in this variety by two forms; in some verbs, the verb is made on the basis of one stem. In other words, the stem implies only action. In others, the verb is made on the basis of two stems: past and present. Brahui of Rudbar-Jonub has 3 modes: indicative, subjunctive and imperative. This variety has 9 tenses: simple present, simple past, present continuous, future, imperative, past continuous, continuous past, present perfect, past perfect.

Keywords: Structure of verb, Language variety of Rudbar-Jonub, Dravidian family, Rudbar-Jonub